

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا^۱

سجاد حسینی^۲

جعفر آقازاده^۳

چکیده:

حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ و حمله متفقین به خاک ایران، از جمله بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حوادث تاریخ معاصر این سرزمین به شمار می‌رود. این نیروها بخشی از تهاجمات خود به ایران را از سرحد جلفا آغاز کردند و از آن پس کل منطقه مهم و استراتژیک آذربایجان را تحت استیلای خود درآوردند. این ناحیه از ایران را نیروهای شوروی اشغال کردند و مردم منطقه با تهاجمی دیگر از سلسله حملات همسایه شمالی خود مواجه شدند. با ورود سربازان شوروی به جلفا و ترس و وحشت حاصل از آن، این شهر تقریباً خالی از جمعیت شد و فعالیت‌های اقتصادی و اداری در آن به حالت تعطیل درآمد و ناامنی و غارت در منطقه گسترش یافت. در این مقاله با تکیه بر اسناد و منابع تاریخی، شکل و نحوه ورود نیروهای شوروی از مرز جلفا و تأثیرات آن بر حیات مدنی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی این منطقه بررسی و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: سوم شهریور ۱۳۲۰ش، جلفا، متفقین، شوروی، حیات اجتماعی و مدنی.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۸۹/۱۱/۲۰

۲. تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۰/۱/۲۵

۳. دانشجوی دکتری تاریخ محلی دانشگاه اصفهان

Email: sajjad-hoseaini@yahoo.com

Gmail: J.agazadeh@gmial.com

دانشجوی دکتری تاریخ محلی دانشگاه اصفهان

مقدمه

امنیت و حاکمیت ملی ایران در دوره قاجار همواره در برابر تهاجمات روس و انگلیس شکننده و سست بود. این دو قدرت در این دوره دخالت فزاینده‌ای در امور داخلی ایران داشتند و با نفوذ خود مرزهای سیاسی ایران را تحدید کردند و شکل جدیدی بدان دادند. نقطه اوج مداخله آنها در دوره قاجار و اشغال ایران در جنگ جهانی اول توسط این دو کشور و دیگر نیروهای دخیل در این جنگ بود که این نفوذ و دخالت‌ها زائیده ضعف حکومت و جامعه ایران و سستی و بی‌خبری شاهان آن بود. کودتای ۱۲۹۹ ش، اگرچه حاصل سیاست انگلستان برای ایجاد حکومت قدرتمند وابسته به خود و برای حفظ منافع حیاتی خویش در این کشور بود، گروهی از ایرانیان هم به قدرت رضاخان می‌نگریستند که برآمده از این کودتا و در مقام حکومتی بود که می‌بایست جلوی دخالت‌های روس و انگلیس در ایران را بگیرد و رژیم رضاخانی هم با تبلیغات وسیع سعی در وانمود کردن خود به منزله حکومت مستقل و ملی داشت. وقوع جنگ جهانی دوم و حمله شوروی و انگلیس به خاک ایران و استعفا و اخراج رضاخان از کشور، سست بودن هرچه بیشتر قدرت وی و وابستگی آن به سیاست بین‌المللی را آشکار کرد و مردم ایران دوباره شاهد از دست رفتن استقلال ملی میهن و حضور بیگانگان در کشور شدند.

ایران، اگرچه بی‌طرفی خود را همچون جنگ اول جهانی در جنگ دوم هم اعلام کرد، اما فقدان ابزارهای لازم برای پیشبرد این سیاست سبب کشانده شدن پای ایران به این جنگ و اشغال آن شد. تبعات اشغال نظامی ایران توسط متفقین برای حیات اقتصادی و سیاسی کشور بسیار ویرانگر بود. طی این جنگ تمام منابع اقتصادی و زیربنایی ایران به نفع متفقین مورد استفاده قرار گرفت و هرکدام از دو کشور روس و

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۳

انگلیس در مناطق مورد تصرف خود صاحب قدرت اصلی شدند و نظام اداری و نظامی ایران را از کار انداختند. روس و انگلیس از ۱۳۲۰ - ۱۳۲۵ش. صحنه‌گردانان واقعی سیاست داخلی و خارجی رژیم پهلوی شدند و خاطره ناگواری در ذهن مردم ایران باقی گذاردند.

در حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ش. و ورود نیروهای متفقین به خاک ایران، شهر جلفا پیش از سایر نواحی به اشغال درآمد. شواهد نشان می‌دهد ورود متفقین به شهر جلفا همچون دیگر مناطق ایران دوره‌ای از رکود و فترت را در این شهر رقم زد و حیات اجتماعی و مدنی آن را متوقف ساخت.

در این مقاله رویدادهای رخ داده در منطقه مرزی جلفا، بعد از ورود شوروی‌ها به ایران، با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی بررسی می‌شود. اهمیت این پژوهش در این است که تأثیر حاصل از اشغال ایران توسط متفقین را در مقیاس کوچک آشکار می‌کند و اهمیت موضوع در آن است که تاکنون در این مورد بررسی علمی مستقلی انجام نپذیرفته است.

اهمیت تاریخی - سیاسی جلفا

منطقه جلفا^۱ یا محال تاریخی گرگر^۲ در شمال آذربایجان و ساحل جنوبی رود ارس قرار دارد. قدیمی‌ترین اشارات منابع به نام جلفا و برخی از آبادی‌های این منطقه به دوران مغول بازمی‌گردد. در وقف‌نامه ربع رشیدی، جلفا از دیه‌های ناحیه مرند، بلاد آذربایجان و توابع شهر تبریز معرفی گشته است (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۵۸). حمدالله مستوفی نیز گرگر را قصبه‌ای در حدود رود ارس معرفی می‌کند (مستوفی، ۱۹۱۳: ۸۹).

در دوره صفویه، پس از اعمال سیاست زمین سوخته شاه عباس اول صفوی در قبال نیروهای مهاجم عثمانی (۱۰۱۳ق)، شهر ارمنی‌نشین جلفای قدیم به صورت کامل تخریب و خالی از سکنه شد و ساکنان ارمنی شهر، در راستای سیاست‌های تجاری این شاه، به جلفای جدیدالتأسیس کنار اصفهان کوچیدند (منجم، ۱۳۶۶: ۲۷۱-۲۷۲/ اولناریوس، ۱۳۶۹: ۶۱۵؛ شاردن، ۱۳۴۹: ۳۹۲-۳۹۳؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۹۴-۹۵) اما در همین دوران نواحی مسلمان‌نشین اطراف این شهر، یعنی آبادی‌ها و قصبه‌های محال گرگر، همچنان پویا و فعال به حیات خویش ادامه دادند (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۰۸۴-۱۰۸۷).

در دوره قاجار جلفا در جنگ‌های ایران و روس نیز اهمیت یافت و صحنه مبارزات و جانفشانی‌های عباس میرزا، نایب‌السلطنه قاجار شد. بسیاری از اقتباسات نوین این شاهزاده تجددطلب در حوالی این منطقه و در معماری قلاع ساخته شده طی جنگ‌های ایران و روس به منصفه ظهور رسید.^۳

بعد از انعقاد قرارداد ترکمانچای و جدایی منطقه قفقاز از خاک ایران، جلفا، سرحد ایران و روسیه اهمیت دوچندانی پیدا کرد. نزدیکی تبریز، دومین شهر ایران دوره قاجار، به مرزهای روسیه از طریق جلفا و تلاش روس‌ها برای تأثیرگذاری بر سیاست و اقتصاد تبریز بر اهمیت سیاسی- استراتژیک جلفا می‌افزود. روس‌ها از همین دوران در مرزهای ایران در بالای ارس حضور چشمگیری داشتند و همواره در موقعیت‌های گوناگون این مرز را می‌شکستند و به خاک ایران تجاوز می‌کردند. از همین دوران رفته‌رفته اندیشه ایجاد نقطه‌ای شهری در جایگاه جلفای قدیم مطرح شد و این موضوع با تأسیس جلفای جدید روس در آن سوی ارس جدی‌تر پیگیری شد. مظفردالدین‌شاه قاجار در سفر اول خود به فرنگ در ۱۳۱۸ق به هنگام عبور از جلفای روس می‌نگارد:

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۵

«در جلفای روس دولت روسیه بنای شهر گذارده و عمارات تک تک ساخته و طرح خیابان انداخته‌اند. بعد خوب خواهد شد ما هم خیال داریم در طرف مقابل همین‌طور بنای آبادی معتبری بنماییم» (مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۲۱: ۴۸). سرانجام در اواسط حکومت سلسله قاجار، شهر مسلمان‌نشین «جلفای جدید»^۴ در جنوب رود ارس ایجاد شد (همان، ۱۳۳۱: ۴۸).

جلفا در دوران قاجار از معابر عبور به روسیه بود و با توجه به افزایش گسترده سطح روابط تجاری ایران با روس‌ها اهمیت والایی پیدا کرد. طی تجاوزه‌های چندگانه روس‌ها به خاک ایران در دوره قاجار همواره جلفا معبر عبور روس‌ها به خاک ایران و از مناطق مورد نظر آنها برای نفوذ بود. این شهر در انقلاب مشروطه در زمره شهرهای مشروطه خواه آذربایجان قرارگرفت. جلفا معبر فکر آزادی‌خواهی و مبارزان مشروطه‌طلب قفقاز به ایران بود و تحت‌تأثیر گرایش‌های روشنفکری قفقاز این شهر هم در زمره شهرهای آزادی‌خواه و مدافع مشروطیت در آمد (آفاری، ۱۳۷۹: ۱۶۲، ۲۹۰). اخبار جنبش‌ها و انقلابات آزادی‌خواهانه جهان زودتر در این دیار می‌پیچید و همین امر باعث شد که ساکنان این محال، آگاه و مطلع به اوضاع و احوال جهان معاصر خود باشند و با بصیرتی ژرف و عمیق در موطن خویش، ایران ایفای نقش نمایند.

با رسیدن خطوط راه‌آهن روسیه به جلفا و سپس احداث راه آهن جلفا - تبریز، این شهر اهمیت بیشتری کسب کرد.^۵ طی جنگ جهانی اول روس‌ها با گسترش این خط تا شهر ماکو از این خط آهن برای جابجایی نیروهای خود در ایران و در امتداد مرزهای عثمانی بهره بسیاری بردند.

هم‌مرزی جلفا با روسیه که منافع استراتژیکی برای خود در شمال ایران به ویژه در آذربایجان تعریف کرده بود و بر اساس قرارداد ۱۹۰۷م آن را رسمیت بخشیده بود، این

شهر را از بُعد نظامی بسیار آسیب‌پذیر کرده بود. به طوری که نظامیان روس با اندک بهانه‌ای از این شهر وارد خاک ایران می‌شدند و نمونه‌های آن را در دوره استبداد صغیر، دوره مجلس دوم و اولتیماتوم روس‌ها به ایران و جنگ جهانی اول می‌توان دید. با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی با داعیه انقلاب کمونیستی جهانی و تلاش ایران و انگلستان برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم، جلفا به‌منزله یکی از نواحی مرزی ایران با شوروی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار گردید و مورد توجه خاص دولت ایران و غرب قرار گرفت تا با حراست از مرزهای جلفا از ورود و نشر افکار کمونیستی در ایران جلوگیری کنند.

ورود متفقین به جلفا

رضاخان اگرچه با کودتای انگلیسی‌ها به قدرت سیاسی و سپس به سلطنت دست یافت، اما همواره در طول حکمرانی خود از آنها و نفوذشان در سیاست و اقتصاد ایران واهمه داشت. شوروی‌ها هم با ایدئولوژی کمونیستی خود و قدرت نظامی برتر و مرزهای طولانی مشترک با ایران تهدیدی بر قدرت رضاخان در ایران به شمار می‌رفتند. رضاخان با درک این تهدیدات سیاست نزدیکی به آلمان و ایدئولوژی نازیسم را در صدر برنامه‌های خود قرار داد، بنابراین آلمان هیتلری به مرور نقش شریک اول تجاری و سیاسی حکومت پهلوی اول را بر عهده گرفت. با آغاز جنگ جهانی اول و اهمیت بالای ایران به علت موقعیت استراتژیکی منحصربه‌فرد و داشتن ذخایر نفتی غنی برای هر کدام از نیروهای متخاصم، رضاخان گرایش به آلمانی‌ها داشت و خواهان پیروزی آنها بر متفقین بود، اما به علت نزدیکی متفقین به ایران و ترس از حملات آنها سیاست بی‌طرفی در پیش گرفت.

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۷

با شکست سیاست رضاخان در حفظ بی‌طرفی ایران و اولتیماتوم و حمله متفقین به خاک ایران، جلفا از نخستین مناطق اشغالی ایران به دست این نیروها به‌شمار می‌رود که در ساعت ۴ صبح روز سوم شهریور ۱۳۲۰ش توسط سربازان شوروی به اشغال در آمد. در اولین ساعات این واقعه، جناح راست و عمده ارتش چهل و هفتم سرلشکر نوویکوف، که از مدت‌ها پیش در نخجوان و جلفای روس استقرار یافته بودند، به درون خاک ایران سرازیر شدند. در تاریکی پیش از سپیده‌دم، سربازان شوروی از پل رود ارس عبور کردند و کلبه چوبی آن سوی پل را که پاسگاه مرزی به‌شمار می‌رفت، تصرف کردند. در عرض چند دقیقه یک ستون طولانی تانک و زره‌پوش و کامیون‌های مملو از سرباز از روی پل عبور و وارد شهر خواب آلود جلفا شدند (استوارت، ۱۳۷۰: ۲۱۱-۲۱۲). این تهاجم یادآور خاطره تجاوزات ترسناک روس‌ها به ایران در دوره قاجار بود.

این لشکرکشی از طریق پل رود ارس صورت گرفت. ابراهیم نوروزاف از خبرنگاران و چهره‌های مطرح ارتش سرخ در این باره می‌نویسد: «... حالا این من هستم که بدون مانع و واهمه‌ای از این مرز می‌گذرم. از روی پل آهنی^۶ جلفا که در دوران جنگ جهانی اول ساخته شده با قطار عبور کردیم در گروه ما روزنامه‌نگاران، نویسندگان، هنرمندان، پزشکان، مهندسين کشاورزی، کادرهای اداری و فعالان حزبی بودند» (ملازاده، ۱۳۷۶: ۳). ترکیب افرادی که ملازاده آورده است نشان می‌دهد که هجوم شوروی‌ها اقدام نظامی صرف نبود، بلکه روس‌ها در پی گسترش ایدئولوژی کمونیسم در ایران بودند، گذشت زمان ماهیت واقعی افراد حاضر در اردوی شوروی را آشکار کرد. اگر قصد شوروی‌ها تنها عملیات نظامی بود، چه نیازی به حضور مهندسان کشاورزی، کادرهای اداری، نویسندگان و هنرمندان داشتند.

این تهاجم جز در نقاط صفر مرزی در سایر نواحی منطقه تقریباً آرام و بی‌سروصدا انجام گرفت. نیروهای مهاجم در نوار مرزی با سرحدداران ایران به مبادله آتش پرداختند و تعداد انگشت‌شماری از مرزبانان ایرانی در عرض چند ساعت کشته شدند^۷ و بقیه گریختند. بدین ترتیب ارتش رضاخانی که حامی او در برابر جامعه ایران و ابزار سرکوب ملی بود، نتوانست مدافع وی در برابر بیگانگان باشد و بدون مقاومتی از هم پاشید. مردم منطقه با آگاهی از ورود روس‌ها به داخل مرزهای ایران دچار ترس و وحشت شدند. نتیجه این ترس و هراس در جلفا، خالی شدن شهر از سکنه بود. در علمدار و گرگر نیز برخی از مردم خانه و کاشانه خود را ترک کردند و به باغات و روستاهای اطراف پناه بردند.^۸ این سرنوشت شوم مردم دیگر نقاط ایران هم بود، که زمامدار دیکتاتورش با از بین بردن و به حاشیه‌راندن سیاستمداران هوشیار کشور، نتوانست پیش‌بینی درستی از قدرت طرفین درگیر در جنگ و آینده این نبرد داشته باشد. در نتیجه ایران را برای بار دیگر بیگانگان تسخیر کردند تا آینده تاریک و مبهمی در انتظار مردم جنگ‌زده ایران بنشیند.

متروک گشتن جلفا

اولین تأثیر ورود نیروهای شوروی به جلفا خالی‌شدن شهر از جمعیت بود. اهالی اعم از بازرگان، کارمند، نظامی، کسبه و فروشنده بدون کمترین درنگی آن را ترک گفتند و به نزدیک‌ترین منطقه بزرگ مسکونی یعنی «علمدار» مهاجرت کردند (سازمان منطقه آزاد ارس: ۱۳۷۴: سند ۱۱۸). در جریان این حادثه تمامی ادارات دولتی به استثنای ادارات پست و تلگراف و گمرک به علمدار انتقال یافت (همان، ۱۳۷۴: سند ۱۲۵) و

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۹

علمدار عملاً مرکز منطقه جلفا شد. انتقال نیافتن این ادارات به علت نیاز نیروهای شوروی به این ادارات برای ارتباط با شوروی و دیگر پایگاه‌های آنها در ایران بود. البته باید این مطلب را هم در نظر داشت که جدیدالتأسیس بودن جلفا و فقدان دبستگی ساکنان شهر به آن و نداشتن احساس وطن درقبال این شهر جدید در تسریع و تداوم روند متروکه‌شدن آن سهم مهمی داشته است. حال اینکه چنین سرنوشتی برای علمدار و گرگر تکرار نشد و برخی از ساکنان منطقه تنها در ساعات و ایام نخستین تهاجم، زادگاه خود را ترک کردند و زود بدان بازگشتند. اوضاع در شهر جلفا به قدری اسفناک بود که اداره خالصجات و تعویض املاک، گرفتن مال‌الاجاره از کسبه و اصناف این شهر خالصه دولتی را به خاطر رکود فعالیت اقتصادی و مدنی مقدور ندانست (همان، ۱۳۷۴: سند ۱۲۱).

انتخاب علمدار برای مهاجرت مردم جلفا به صورت اتفاقی صورت نپذیرفت. بلکه به علل مختلف تاریخی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی انجام گرفت. علمدار در دوران قاجار اهمیت شایان توجهی داشت. ناصرالدین شاه قاجار در سفر دوم خود به فرنگستان آن را از دهات معتبر محال گرگر می‌نامد (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۲۹۸: ۲۷). علمدار همچنین خاستگاه و مقر خاندان یآوری علمداری محسوب می‌گشت. منصب نظامی «یاور» در عهد قاجار، پایین‌تر از منصب «سرهنگ» و بالاتر از «سلطان»، معادل درجه سرگرد امروزی بود (مدرسی، ۱۳۸۰: ۳۳۸). برخی از اعضای خانواده یآوری علمداری برای سال‌های متمادی معبر و سرحد جلفا را تحت نظارت داشتند. آنها زمین‌ها، نهرها، قنوت، کهریزها، خانه‌ها و انبارهای متعددی در منطقه جلفا داشتند. ابراهیم سلطان یاور علمداری در زمان سلطنت سومین پادشاه قجری، مقام «نایب دومی فوج خاصه شریفه» را در اختیار داشت (اسناد اصفهانی علمداری، پوشه ابراهیم سلطان، شماره ۱۲۵۳ و

۱۲۵۵) و برادرش عبدی‌خان دارای سمت‌هایی چون «رئیس سواره قراولخانه سرحد جلفا»، «ضابط گرگر» و «یاور سرحد معبر جلفای ارس» بود (همان، پوشه گزارش‌های سرحدیه، شماره ۱۲۸۳). بدین ترتیب بسیاری از کارکردهای اداری جلفا به علمدار انتقال یافت و جلفا به مانند شهری مصیبت‌زده، سرنوشتی دیگر را تجربه کرد.

خسارات واردشده به اراضی کشاورزی

نیروهای شوروی پس از عبور از رودخانه ارس در ناحیه جلفا در دو ستون به پیشروی‌های خود ادامه دادند. یک ستون از این ارتش از طریق جلفا- دره دیز- مرند- تبریز و ستون دیگر از طریق جلفا- خوی- سلماس- ارومیه هجوم آوردند (زنگنه، ۱۳۵۳: ۱۳). از این رو خواه ناخواه اراضی کشاورزی مسیرهای حرکت در منطقه دچار خسارت شد. در یک صورت خسارت مربوط به این واقعه از نابودی ۳۵ من پنبه، ۱۲ من گرچک و ۱۵ من ارزن متعلق به علی اصفهانی علمداری، زارع اهل علمدار در جریان «پیش آمد شهریور ۱۳۲۰» سخن به میان آمده است. گفتنی است اراضی کشاورزی این زارع در منطقه دره‌دیز و در کنار جاده جلفا- تبریز، در مسیر لشکرکشی نیروهای شوروی قرار داشت (همان، پوشه اصفهانی، شماره ۱۳۲۰).

با وجود این، برخی روایت‌های شفاهی از اهتمام اولیه نیروهای متفقین برای جلوگیری از آسیب‌رسانی بر باغات و مزارع مردم حکایت می‌کنند و اینکه در آغاز نیروهای اشغالگر با پرداخت پول از باغات منطقه، میوه می‌خریدند و بسیاری از باغداران توانستند در همان ماه نخست اشغال تمام محصولات باغی خود را بفروشند. اما، حتی خرید محصولات کشاورزی زارعان ایرانی توسط نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم سبب کمبود مواد غذایی و بروز قحطی در جای‌جای ایران و بروز بحران نان و مواد

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۱۱

غذایی شد و عده زیادی از مردم ایران به این دلیل جان باختند و تلاش دولت ایران برای جلوگیری از مصادره و خرید مواد غذایی توسط متفقین به جایی نرسید. نیروهای متفقین در جلفا با اینکه مراقب بودند به باغات و مزارع مردم منطقه آسیب وارد نکنند، اما به هنگام قشون‌کشی به برخی مزارع مسیر در منطقه دره‌دیز جلفا آسیب وارد کردند. با این حال، صرف حضور آنها در منطقه و فرار ساکنان بعضی از مناطق در اقتصاد کشاورزی جلفا تأثیرگذار بود. نیروهای شوروی در بلندمدت برای تأمین مایحتاج خود ناگزیر از خرید یا مصادره محصولات کشاورزی بودند، این مسئله سبب بروز تورم و نایابی ارزاق می‌شد که حاصل آن مرگ و میر عده بی‌شماری از مردم ایران طی اشغال آن به دست متفقین بود.

غارت و چپاول جلفای متروک

اشغال ایران توسط قوای متفقین و سلب قدرت از حکومت مرکزی، پیامدهای نامطلوب کوتاه‌مدت و درازمدتی را در پی داشت. قبل از شکل‌گیری و تحکیم قدرت رضاخان یکی از مشخصه‌های کشور ایران ناامنی و غارتگری‌های اشرار و عشایر بود که در فقدان قدرت مرکزی متمرکز و نیرومند، جان و مال مردم ایران را به خطر می‌انداختند. رضاخان توانست در دوره حکومت خویش با کمک ارتش و با اعدام‌ها و سرکوب‌های سراسری امنیت را در شهرها و جاده‌ها برقرار کند. با استعفای رضاخان و اشغال کشور و فروپاشی ارتش و سیستم اداری کشور، نیروهایی که سال‌ها سرکوب شده و دست از شرارت برداشته بودند دوباره سربرآوردند. به گونه‌ای که از همان روزهای نخستین اشغال، تاراج و چپاول مناطق شهری و روستایی توسط اشرار و نیروهای مرکز

۱۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

گریز در سراسر کشور هویدا شد (بایرامی، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۳). چنین وضعیتی در جلفای خالی از سکنه با شدت و حدت بیشتری اتفاق افتاد.

در دی ۱۳۲۰ش، اشرار قره‌داغ به جلفای خالی از سکنه تاختند و آن را غارت کردند و بدین ترتیب ضربه‌ای دیگر بر عمران و آبادانی جلفا وارد شد (سازمان منطقه آزاد ارس، ۱۳۷۴: سند ۱۱۹، ۱۲۱).

گزارشی در مرداد ۱۳۲۱ش درباره وضعیت جلفا چنین می‌گوید: «در اثر پیشامد سوم شهریور ماه و غائله هجوم اشرار قراجه‌داغ به جز دو فقره عمارت‌های گمرک و شیروخورشید سرخ کلیه ابنیه و عمارات و مغازه‌های دولتی به کلی ویران و منهدم گردیده است. علت سالم ماندن این دو باب عمارت نیز از قرار معلوم گویا فرار نکردن مأمورین مربوطه و محفوظ ماندن آنها از هجوم اشرار بوده است» (همان، ۱۳۷۴: سند ۱۲۳).

این تشنجات محدود به شهر جلفا نشد و به علمدار نیز سرایت کرد. بنابر گزارش‌های موجود، اشرار قره‌داغ در شب ۱۴ مهر ۱۳۲۰ وارد علمدار شدند و به منزل شخص دهمدار و رئیس شهربانی و متمولان علمدار حمله کردند. مبالغی پول و مقادیری اشیای قیمتی و پنبه‌دانه‌های شرکت پنبه به یغما برده شد و کلیه پرونده‌ها و ملزومات ادارات نابود شد. اشرار قره‌داغ با شبیه‌سازی خود به ارتش شوروی و با برداشتن بیرق‌های سرخ باعث عدم مقاومت نیروهای امنیتی علمدار شدند و بدین ترتیب بی‌هیچ مقاومتی بر این قصبه استیلا یافتند.^{۱۰}

این غائله سرانجام با دخالت ارتش شوروی در ۱۷ مهر به پایان رسید. اما بخش درخور توجهی از دارایی‌های دهمداری، شهربانی، شرکت پنبه و بسیاری از متمولان علمدار به تاراج رفت (قطبی، ۱۳۸۱: ۸۸). برای پایان دادن به این غارت‌ها طبق دستور

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۱۳

ماژور رومانیان کوماندان شوروی، شهربانی موظف شد یک سرپاسبان و ۵ پاسبان را در علمدار به کار گمارد (بیانی، ۱۳۷۵: ۱۱۱-۱۱۲).

در کنار اشرار، نیروهای نظامی شوروی مستقر در شهر جلفا نیز دومین ضربه را بر عمران و آبادانی آن وارد کردند. تیر و تختهٔ ابنیهٔ جلفای ارس را این نیروها جمع کردند و برای سوخت و ایجاد گرما به مصرف رساندند. طبق گزارش‌ها و اسناد موجود از ۱۳۲۱ش سربازان شوروی برای دسترسی به تیرهای ساختمانی حتی دیوارهای کشیده شده در برابر انبارهای نگهداری را ویران و پشت بام ساختمان‌های جلفا را خراب کردند (سازمان منطقه آزاد ارس، ۱۳۷۴: سند ۱۲۶).

در این دوره نیروهای مخفی شوروی نیز در منطقه به فعالیت و بررسی اوضاع مشغول شدند. مردم منطقه همواره از فعالیت پینه‌دوزی ناآشنا در بازار علمدار یاد می‌کنند که بعد از فرار دموکرات‌ها او نیز ناپدید شد. به زعم اهالی منطقه وی از سال‌ها قبل از تشکیل فرقهٔ دموکرات آذربایجان به امر جاسوسی و بررسی اوضاع منطقه می‌پرداخت و با فرار دموکرات‌ها او نیز منطقه را ترک کرد و به شوروی رفت.^{۱۱}

مقایسهٔ تأثیر ورود متفقین به دیگر شهرهای آذربایجان با جلفا

نیروهای متفقین به محض ورود به تبریز و استقرار در شهر، سربازخانه و استانداری را قبضه کردند. آنها تمام زندانیان را از زندان شهربانی شهر آزاد کردند. در بین زندانیان که تعداد آنها از هزار نفر بیشتر بود، عده‌ای قاتل و جانی و محکوم به حبس ابد وجود داشت که آزادی آنها امنیت شهر را مختل کرد. تمام مأموران دولتی اعم از لشکری و کشوری از شهر خارج و به دهات اطراف رفتند. یک عده نیز از منازل خود بیرون نمی‌آمدند و ادارات دولتی بی‌سرپرست مانده بودند. با وجود این حضور نیروهای مردمی

در راستای محافظت از ادارات دولتی و زندان‌ها و محلات تبریز تاحدودی اوضاع نابسامان شهر را بهبود می‌بخشید (خاماچی، ۱۳۷۱: ۲۳۷-۲۳۹).

متفقین در تبریز مانند جلفا، فضایی از رعب و وحشت عمومی را ایجاد کردند و باعث فرار عده‌ای از اهالی به مناطق اطراف شدند. مردم این شهر با این حمله خاطره شوم تهاجم‌های روس‌ها در دوره قاجار و اعدام بزرگان و آزادی خواهان آن را به یاد می‌آوردند. البته دامنه مهاجرت و فرار در جلفا گسترده‌تر از تبریز بود و حس وطن‌دوستی و وابستگی به خاک در تبریز کهن بیش از جلفای نوپنیا سبب شد تا اهالی شهر را خالی از سکنه نکنند. تبریز مرکز استان آذربایجان محسوب می‌شد و جمعیت بسیاری داشت. در فقدان حکومت مرکزی و آزادی آشوبگران زندانی، به مانند جلفا در این شهر هم ناامنی گسترش یافت، البته نوع ناامنی در این دو شهر متفاوت است. ناامنی‌های جلفا از بیرون (منطقه قره‌داغ)، شهر را تهدید می‌کرد، در حالی که ناامنی در تبریز حاصل زندانیان آزاد شده در شهر بود. اما روس‌ها به مرور بر امور شهر تبریز مسلط شدند و امنیت را در آن برقرار کردند.

ورود متفقین به شهر ارومیه و آزادی زندانیان، که در میان آنها اشرار معروفی چون عمرخان شکاک بود، باعث ناامنی در ارومیه و برخی از روستاهای اطراف آن شد و دوران تجاوز و تاخت و تاز و یغماگری‌های اشرار آغاز گردید. این وضعیت بحران دیگری را هم در ارومیه به بار آورد. اهالی روستاهای اطراف از ترس یاغیان به شهر ارومیه پناه آوردند. بدین ترتیب بر میزان تقاضا در شهر افزوده شد. خواروبار در شهر کاهش یافت و بیماری‌های عفونی شیوع پیدا کرد. اشرار گرد نیز شهر را محاصره کردند. این وضعیت در ۱۳۲۱ش نیز ادامه داشت (انزلی: ۱۳۸۴: ۵۴۴-۵۴۶). ناامنی ارومیه نیز مانند جلفا از خارج شهر بود. نکته درخور توجه اینکه این بار اهالی روستاهای ارومیه از ترس اشرار به

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۱۵

شهر پناه بردند. چیزی که در جلفا خلاف آن رخ داده بود. کردها و عشایر ارومیه که با قدرت رضاخانی فرصت لازم برای خودنمایی نداشتند، با افول قدرت استبدادی وی، دوره‌ای از هرج و مرج و ناامنی را به وجود آوردند که تنها قدرت استبدادی و سرکوب‌گر دیگری می‌توانست این نیروهای گریز از مرکز را سرکوب و امنیت مردم را تأمین کند.

شهرهای جنوب آذربایجان، ورود متفقین را با حملات هوایی آنها درک کردند و از ترس بمباران‌های هوایی، مردم شهرهایی چون بناب و مراغه این مناطق را به مقصد روستاهای اطراف ترک کردند. سه روز بعد در ششم شهریور نیروهای زمینی متفقین به این شهرها وارد شدند و با آزادسازی زندانیان که در بین آنها زندانیان سیاسی برجسته‌ای حضور داشتند، ناامنی در این شهرها حکمفرما شد. در این بین یاغی معروفی چون حسینقلی‌خان گنجه‌ای به شرارت دست یازید و به یغماگری در شهرها پرداخت (مروارید، ۱۳۷۲: ۸۳۲، ۸۴۰).

در شهریور ۱۳۲۰ نیروهای شوروی از طریق پل عربلر (پل دشت) وارد ایران شدند و به ماکو و شهرهای آذربایجان رهسپار شدند، ولی در ماکو با مقاومت ارتش و ژاندارمری روبرو شدند که منجر به کشته شدن گروهی از سربازان و افسران ایرانی گردید و فرمانده آنها تیرباران شد. روس‌ها کنسولخانه خود در ماکو را تأسیس و شروع به اعمال نفوذ و دخالت در امور ادارات این شهر کردند، در حالی که مأموران وطن‌پرست به آسانی زیر بار فرمان آنان نمی‌رفتند. مأموران و نظامیان شوروی در بیشتر مواقع برای تأمین نیازهای خود به غارت محصولات کشاورزی و دزدی اموال مردم روی می‌آوردند (موسوی، ماکوئی، ۱۳۷۶: ۱۸۹-۱۹۰). منطقه ماکو در مرز ترکیه و ایران و شوروی از دیرباز از اهمیت فراوانی برخوردار بود، به همین دلیل، روس‌ها برای تسلط بیشتر بر امور این شهر از کشتار مقاومت‌کنندگان نیز دریغ نکردند.

شهرهای آذربایجان مانند جلفا با ورود شوروی‌ها به خاک ایران در ۱۳۲۰ش شرایط یکسانی را تجربه کردند. کشتار مقاومت‌کنندگان و ترس و فرار مردم شهرها اولین نتیجه این حمله و اشغال بود. ادارات دولتی با ورود شوروی‌ها به طور موقت با فرار و پنهان‌شدن کارمندان آنها به حالت تعطیل درآمد، ولی بعد با دخالت شوروی‌ها و آرام‌شدن اوضاع شروع به کار کردند. در فقدان حکومت مرکزی، ناامنی گسترش فراوانی یافت که بیشترین مسبب آن عشایر و یاغیانی بودند که همواره با ضعف دولت مرکزی فرصت ابراز وجود پیدا می‌کردند. به‌طور کلی، منابع اقتصادی شهرهای آذربایجان در اختیار شوروی‌ها و در راستای منافع متفقین مشغول در جنگ مورد سوء استفاده قرار گرفت. تأثیر پیشامد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر شهرهای آذربایجان مانند جلفا تعطیلی و رکود حیات و فعالیت اجتماعی و مدنی آنها بود که در شکل‌های گوناگون خود را نشان داد.

تلاش برای احیای جلفا

پس از حوادث شهریور و دی ۱۳۲۰ش و متروک شدن شهر جلفا، مسئولان دولتی در بخش و استان برای احیای مجدد این شهر تلاش کردند. ویرانی ابنیه شهر مهم‌ترین مانع در تحقق این هدف در سال ۱۳۲۱ش بود (سازمان منطقه آزاد ارس، ۱۳۷۴: سند ۱۱۸).

سرانجام مقامات دولتی به این نتیجه رسیدند که برای احیای جلفا می‌بایست ابنیه شهر تعمیر و بازسازی شود و ادارات دولتی از علمدار به جلفا برگردانده شوند و به تبع آن جمعیت کارمند و کسبه مجدداً در سرحد جلفا گرد هم آیند (همان، ۱۳۷۴: سند ۱۱۸، ۱۱۹). بنابراین، در اولین گام، بازسازی ابنیه جلفای نیمه ویران را در صدر

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۱۷

برنامه‌های خود قرار دادند. کارشناسان مجموع هزینه تعمیرات ضروری «عمارات دولتی و سایر ابنیه و دکاکین جلفا» را ۱۷۱۷۹۲/۲۰ ریال برآورد کردند (همان: سند ۱۲۴). روند کارها به کندی پیش می‌رفت. برخی از ادارات از علمدار به جلفا انتقال یافته بود، اما شهر برای زندگی خانواده کارمندان مناسب نبود و آنها دور از خانواده‌هایشان در جلفا به سر می‌بردند. نابسامانی اوضاع شهر شهربانی را هم مجبور به تقلیل نیرو کرد تا شرایط بهتری برای نیروهای باقی مانده در جلفا فراهم آید (همان: سند ۱۲۲). آبادانی جلفا در سال ۱۳۲۱ش تحقق نپذیرفت و عملیات احیای شهر به بهار سال آینده موکول شد (همان: سند ۱۲۷). در سال ۱۳۲۲ این امر تحقق پذیرفت.

از سال ۱۳۲۲ به بعد شهر جلفا، پس از پشت سر نهادن دوره‌ای از رکود و فترت، دورانی از رشد و توسعه اجتماعی و مدنی را آغاز کرد و مجدداً جمعیت از دست داده خود را باز یافت. جلفا در دوران حکومت فرقه دموکرات آذربایجان و از آن پس در زمان سلطنت محمدرضا شاه پهلوی به یکی از مهم‌ترین و پویاترین شهرهای مرزی ایران تبدیل گردید. گسترش روابط بازرگانی ایران با شوروی و اروپای شرقی، رونق دو چندان گمرک، راه آهن و انبارهای عمومی جلفا را در پی داشت و همه اینها موجب افزایش جمعیت شهر و رونق حیات اجتماعی و مدنی آن شد. با این همه نداشتن دلبستگی به سرزمین خطری بزرگ برای این شهر سرحدی تلقی می‌شد. بارزترین نمود این بیگانگی با خاک، فقدان قبرستان در شهر جلفا بود.

نتیجه

شهر جلفا از نخستین مناطق اشغالی ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ش بود. نیروهای متفقین در نخستین ساعات عملیات نظامی خود به منظور اشغال ایران، با سرحدداران

کشور در مرز جلفا درگیر شدند و این درگیری نتیجه‌ای جز کشته‌شدن مرزبانان ایرانی و ورود ارتش بیگانه به خاک ایران در پی نداشت. مردم جلفا پس از آگاهی از این تهاجم نظامی به سرعت شهر را تخلیه کردند. ترس و خوف ناشی از لشکرکشی نیروهای بیگانه و عدم وجود حس وطن‌انگاری در نزد اهالی غیربومی جلفا در تشدید و تسریع این وضعیت مؤثر واقع شد. خاطره تهاجمات خشونت بار همسایه شمالی، روسیه در چند دهه پیش نیز بر نگرانی‌های مردم افزود.

با استقرار وضع فوق‌العاده در جلفا، اکثر ادارات دولتی نیز از آن شهر برچیده شدند و به علمدار، بزرگ‌ترین مرکز جمعیتی نزدیک به جلفا نقل مکان کردند. این امر بر رکود هر چه بیشتر حیات اجتماعی و مدنی در شهر افزود و زمینه را برای سوءاستفاده اشرار قره‌داغ و متفقین ساکن در جلفا فراهم کرد. اکثر ابنیه دولتی جلفا را این دو گروه تاراج کردند و ضربه سهمگینی بر عمران و آبادانی شهر وارد شد. این تهاجم نظامی همچنین به صورت ناخواسته باعث نابودی بخشی از مزارع مسیر لشکرکشی در منطقه دره‌دیز جلفا گردید.

شوروی‌ها در تماس با اشغال سرزمین ایران در ناحیه شمال غرب، چیزی جز مرگ و نیستی برای مرزبانان ایرانی، رکود و فترت برای حیات اجتماعی و مدنی، چپاول و غارت برای مناطق شهری و روستایی و آسیب و خسارت برای مزارع و اراضی کشاورزی به ارمغان نیاوردند.

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۱۹

پی نوشت‌ها

۱. این واژه در منابع مختلف به اشکال «جولفا»، «جولاه»، «جولاهه»، «جولفه»، «جوقا» و «جلفا» آمده است. همه این واژگان و تلفظ‌ها، دارای یک معنی نشأت گرفته از ریشه‌ای مشترک در ارتباط با مفهوم بافندگی‌اند. این مفهوم ارتباط مستقیمی با پیشه مردم منطقه طی تاریخ داشته است. به نحوی که تا چند دهه پیش، کشت پنبه، پرورش کرم ابریشم، تولید پشم و ریسندگی و بافندگی مهم‌ترین فعالیت مردم جلفا محسوب می‌گشت (تبریزی، ۱۳۷۶: ۶۰۱؛ رامپوری، ۱۳۶۳: ۲۷۳؛ پادشاه، ۱۳۳۶: ۱۳۲۳-۱۳۲۸؛ هدایت، ۱۳۸۸: ۱۰۸؛ داعی‌الاسلام، ۱۳۴۶: ۳۹۷).

۲. این محال را گاه محال «گرگر علمدار» نیز می‌نامند. برای مثال در سواد سندی از شاهرخ افشار که در کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز به یادگار مانده است، از این عنوان استفاده شده است. علت این نام گذاری اینکه از گذشته‌های دور علمدار و گرگر بزرگ‌ترین آبادی‌های این محال محسوب می‌گشتند (نادر میرزا قاجار، ۱۳۷۳: ۳۶۲-۳۶۳). حدود این محال را می‌توان بر اساس اشعار فولکلوریک و منابع دوران قاجار به روشنی مشخص کرد. بر این اساس محال گرگر منطقه‌ای در جنوب رود ارس است که از شرق به محال دیزمار قره‌داغ، از غرب به محال ماکو و خوی و از جنوب به منطقه هرزندات مرند محدود می‌شود (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۸: ۲۷؛ بیات، ۱۳۸۱: ۶۲؛ مهندس، ۱۳۸۴: ۱۵).

۳. از جمله این قلاع می‌توان به قلعه کردشت و قلعه عباس‌آباد اشاره داشت. دنبلی در این خصوص می‌نویسد: «چون مهندسان شاهزاده کامران رسم قلعه‌سازی طرح فرنگ را از موسی لامی مهندس فرانسه که در فراست و فطانت بی‌نظیر و درین فن و فنون دیگر از هندسه و حساب کمال مهارت داشت، فراگرفته و علم هندسه و ترتیب تیپ و تعیین محل فرود آمدن

۲۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

اردو، و سد رخنه دشمن در محل سقناق و سنگر و ساختن قلعه به طرح فرنگ از او آموخته بودند، طرحریزی کرده بنای ساختن آن نهادند» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

۴. جهت متمایز ساختن این جلفا از جلفای جدید روس و گاه از جلفای اصفهان، از عناوین مختلفی چون «جلفای ارس»، «جلفای ایران»، «جلفای تبریز» و «جلفای آذربایجان» استفاده می‌شد (روزنامه یومیه خلاصه الحوادث، ۲ ذی‌قعدة ۱۳۱۶ / ۱ آوریل ۱۸۹۹؛ روزنامه یومیه خلاصه الحوادث، ۸ رمضان ۱۳۱۹ / ۹ ژانویه ۱۹۰۲؛ حبل‌المتین، شماره ۱، ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ / ۵ سپتامبر ۱۹۰۴؛ چهره‌نما، سال ۱، شماره ۱۷، ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۲ / ۲۲ ژانویه ۱۹۰۴؛ چهره‌نما، سال ۶، شماره ۱۲، ۱ شوال ۱۳۲۷ / ۱۴ اکتبر ۱۹۰۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۶: ۷۷؛ راتیسلاو، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

۵. دولت ایران در تاریخ ۶ فوریه ۱۹۱۳ امتیاز تأسیس یک رشته خط آهن را میان جلفای ارس و تبریز که شعبه‌ای از آن از صوفیان تا شرفخانه (ساحل شمال شرقی دریاچه ارومیه) می‌رفت به بانک استقراضی روس اعطا کرد. عملیات این خط می‌بایست تا ۶ فوریه ۱۹۱۵ شروع می‌شد و قبل از ۶ فوریه ۱۹۲۱ به اتمام می‌رسید. سرانجام در ۲۱ دسامبر (روسی) ۱۹۱۵ خط آهن از جلفا تا شرفخانه و در ۲۰ فوریه ۱۹۱۶ تا تبریز گسترده شد و روس‌ها تعهدات خود را عملی کردند (کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سنه پارس ثیل ۱۳۳۲-۱۳۳۳، ۱۳۳۴: ۱۰۷؛ کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سنه توشقان ثیل ۱۳۳۳-۱۳۳۴، ۱۳۳۵: ۱۱۲؛ جمالزاده: ۱۳۸۴: ۸۹، ۴۴، ۴۵).

۶. این پل فلزی مخصوص عبور با راه آهن و عرض آن ۶ متر و طولش ۱۰۹/۲۰ متر است. خیز طاق پل به بلندی ۱۶/۲۰ متر و وزن پل ۵۹۱۸۵۰ تن است. هزینه ساخت طبق اسنادی که راه آهن ایران متکی به مدارک روس‌ها منتشر کرده است، در حدود ۳۱۶۳۰۵/۷۷ روبل طلاست. پل چون بسیار سنگین بود روی صندوق فلزی ساخته شد که جمعاً قیمت ساخته شدن

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۲۱

صندوق ۶۷/۵ درصد مجموع کلیه هزینه‌های پل است. آهنی که برای پل مصرف شده است از نخجوان آورده‌اند و برای رسانیدن به جلفا از بیراهه و کوهستان‌های صعب‌العبور حمل شده است. در جنگ بین‌المللی اول، هنگام عقب‌نشینی در جنگ با ترک‌ها، فرماندهی دسته‌های آرامنه، که مردی موسوم به اندرونیک بوده است به منفجر ساختن پل تصمیم می‌گیرد، ولی خطر چندانی متوجه آن نشد و فقط فرم‌های تحتانی پل کمی خمیده شد (خلیلی عراقی، ۱۳۲۷: ۲۷).

۷. در نوار مرزی جلفا آرامگاه و یادبود چند تن از این شهدا دیده می‌شود که مشهورترین آنها در نقطه صفر مرزی در کنار پل آهنی شهر جلفا در خاک آرمیده‌اند و از آن جمله می‌توان به ژاندارم شهید سرجوخه ملک محمدی، ژاندارم شهید عبدالله شهریاری فرزند حیدر و ژاندارم شهید سید محمد رائی هاشمی فرزند میرجعفر اشاره کرد. بر سنگ مزار هر یک از این سه تن چنین نقل شده است: «آرامگاه ژاندارم شهید ... که در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ش در راه ادای وظیفه با کمال رشادت در مقابل مهاجمان ایستادگی و به شهادت رسیده‌است». آرامگاه دیگری نیز در پاسگاه قره بلاغ جلفا قرار دارد که مدفن ژاندارم شهید میرزا علی است، بر سنگ مزار این شهید نیز چنین حک شده است: «آرامگاه ژاندارم شهید و فداکار میرزا علی که در شهریور ماه ۱۳۲۰ در جلوگیری از تجاوز مهاجمان به خاک میهن عزیز مدت سه ساعت مقاومت کرد و تسلیم نشد و با آغوش باز مرگ را بر تسلیم شدن مقدم و شربت شهادت نوشید» (راعی، ۱۳۸۶: ۲۲۸-۲۳۰).

۸. مختار محمودی علمداری که در شهریور ۱۳۲۰، ۱۵ ساله بود و تمامی وقایع را مو به مو به یاد دارد، در این خصوص می‌گوید: «بیشتر مردم علمدار را ترک کردند و به مناطق اطراف پناه بردند، اما ما در خانه خود ماندیم، چرا که می‌دانستیم وقتی منطقه‌ای به اشغال دشمن در می‌آید، دیگر علمدار و جای دیگر تفاوتی با هم ندارند و هر دو منطقه اشغالی‌اند». رقیه ریاحی

۲۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

علمداری هم که در آن دوران ۱۰ ساله بود، درباره این واقعه چنین اظهار نظر می‌کند: «من و خواهرم به باغ یکی از آشنایان رفتیم. آنها از ترس روس‌ها به زاویه فرار کرده بودند. از باغ خارج شده در راه چند نفر سواره نظام روس را دیدیم از ترس خود را به دیوار چسباندیم. ولی یکی از آنها با مهربانی رو به ما کرد و به زبان ترکی گفت دخترم نترسید ما با شما کاری نداریم».

۹. رقیه ریاحی علمداری از معمرین محل، از فروش تمام محصول انگور تاکستان‌های اقوام شان به نیروهای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ سخن به میان می‌آورد.

۱۰. خاطرات شفاهی کریم اصفهانی علمداری.

۱۱. خاطرات شفاهی مختار محمودی علمداری.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

استوارت، ریچارد (۱۳۷۰)، **در آخرین روزهای رضا شاه**، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: معین.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۰۶ق)، **المآثر و الآثار**، تهران: دارالطباعة خاصه دولتی.

افتخاری بیات، حسینقلی (۱۳۸۱)، **تاریخ ماکو**، تهران: شیرازه.

اولثاریوس، آدام (۱۳۶۹)، **سفرنامه آدام اولثاریوس**، ج ۲، ترجمه: حسین کرد بچه، تهران: کتاب برای همه.

آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، **انقلاب مشروطه ایران**، ترجمه: رضا رضایی، تهران: بیستون.

بن‌تان، آگوست (۱۳۵۴)، **سفرنامه آگوست بن‌تان**، ترجمه: منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: بی‌نا.

بیانی، خانابا (۱۳۷۵)، **غائله آذربایجان**، تهران: زریاب.

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۲۳

پادشاه(شاد)، محمد (۱۳۳۶)، فرهنگ آندراج، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه خيام.

تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۷۶)، برهان قاطع، ج ۲، به کوشش: محمد معین، تهران: امیرکبیر.

ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۷۷)، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، به کوشش: محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۸۴)، گنج شایگان، تهران: سخن.

انزلی، حسن (۱۳۸۴)، ارومیه در گذر زمان، تهران: دستان.

خامچی، بهروز (۱۳۷۱)، آتش بر فراز تبریز، تبریز: ایران ویج.

خلیلی عراقی، محمدرضا (۱۳۲۷)، خاطرات سفر، بی جا: بی نا.

داعی الاسلام، سیدمحمدعلی (۱۳۴۶ق)، فرهنگ نظام، ج ۲، حیدرآباد دکن: دولت علیه دکن.

دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، مآثر سلطانیه، به کوشش: فیروز منصوری، تهران: اطلاعات.

راتیسلاو، آلبرت چارلز (۱۳۸۶)، کنسول در شرق، ترجمه: رجبعلی کاوانی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

راعی، ولی و رضا احمدی (۱۳۸۶)، جلفا از دیرباز تا کنون، ج ۱، تبریز: اختر.

رامپوری، غیاث‌الدین محمدبن جلال‌الدین (۱۳۶۳)، غیاث اللغات، به کوشش: منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.

زنگنه، احمد (۱۳۵۳)، خاطراتی از مأموریت‌های من در آذربایجان (از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا دی ماه ۱۳۲۵)، بی جا: بی نا.

شاردن، ژان (۱۳۴۹)، سیاحت نامه شاردن، ج ۲، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

۲۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

شیرازی، میرزا صالح (۱۳۶۴)، مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، ج ۱، به کوشش: غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر تاریخ ایران.

فیودور کوروف، بارون (۱۳۷۲)، سفرنامه بارون فیودور کوروف، ترجمه: اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز.

قطبی، بهروز (۱۳۸۱)، گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، تهران: اطلاعات. کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سنه یل ۱۳۳۲-۱۳۳۳، (۱۳۳۴)، تهران: اداره کل گمرکات.

کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سنه توشقان یل ۱۳۳۳-۱۳۳۴، (۱۳۳۵)، تهران: اداره کل گمرکات.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، سفرنامه کمپفر، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران: خورازمی. مدرسی، یحیی، حسین سامعی و زهرا صفوی مبرهن (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مروارید، یونس (۱۳۷۲)، مراغه، تهران: علمی.

مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۹۱۳)، نزهه القلوب، (کوششگر: گای لیسترانج)، لیدن: گای لیسترانج .

مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۳۱ق)، سفرنامه مبارکه شاهنشاهی، بمبئی: مطبع مصطفوی.

مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۲۱ق)، سفرنامه مبارکه شاهنشاهی، بمبئی: مطبع مصطفوی.

ملازاده، حمید (۱۳۷۶)، رازهای سر به مهر، تبریز: مهد آزادی.

منجم، ملا جلال‌الدین (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، به کوشش: سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.

موسوی ماکوئی، میر اسدالله (۱۳۷۶)، تاریخ ماکو، تهران: بیستون.

تأثیر رویداد سوم شهریور ۱۳۲۰ش بر حیات اجتماعی و مدنی شهر جلفا ۲۵

- مهندس، علی‌خان (۱۳۸۴)، روزنامه سفر از تبریز تا ماکو، تهران: وزارت امور خارجه.
- نادر میرزا قاجار (۱۳۷۳)، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، به کوشش: غلامرضا طباطبایی‌مجد، تبریز: ستوده.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۹۸ق)، مسافرت و سیاحت دوم فرنگستان ناصرالدین شاه، بمبئی: دارالحکومه بمبئی.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۲۸۸ق)، فرهنگ انجمن آرای ناصری، تهران: مخبرالدوله علیقلی‌خان سرتیپ اول.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۵۶)، وقف‌نامه ربع‌رشیدی، به کوشش: مجتبی‌مینوی و ایرج-افشار، تهران: انجمن آثار ملی.

مقاله

- بایرامی، سمانه (۱۳۸۸)، «آثار و پیامدهای اجتماعی اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰»، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۲۷.

روزنامه‌ها

- چهره‌نما، سال ۶، شماره ۱، ۱ شوال ۱۳۲۷/۱۴ اکتبر ۱۹۰۹.
- چهره‌نما، سال ۱، شماره ۱۷، ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۲/۲۲ ینایر (ژانویه) ۱۹۰۴.
- حبل‌المتین، شماره ۱، ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۱/۵ سپتامبر ۱۹۰۴.
- روزنامه یومیه خلاصه الحوادث، ۲ ذی‌قعدة ۱۳۱۶/۱ آوریل ۱۸۹۹.
- روزنامه یومیه خلاصه الحوادث، ۸ رمضان ۱۳۱۹/۹ ژانویه ۱۹۰۲.

اسناد

- اسناد خصوصی خانواده اصفهانی علمداری.

۲۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

شناخت سیر تکوین کالبدی شهر جلفا از منظر تأملات تاریخ معماری: اسناد تاریخی، (۱۳۸۴)،
سازمان منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس.

خاطرات شفاهی

اصفهانی علمداری، کریم.

سلیمان زاده، فهمیده.

محمودی علمداری، مختار.